گفت‌وگوی «جوان» با دریادار ناصر سرنوشت به مناسبت ۷ آذر روز نیروی دریایی

۲۳ ساعت با یک اسیر عراقی روی آب شنا کردم

صغری خیل‌فرهنگ

دریادار جانباز ناصر سرنوشت از بازماندگان ناوچه قهرمان «پیکان» است که در هفتم آذر ماه ۱۳۵۹ حماسه عملیات مروارید را آفرید. سرنوشت که متولد سال ۱۳۳۰ است، می‌گوید تولد واقعی او آذر سال ۵۹ بود؛ روزی که ناوچه پیکان ضربات جبران‌ناپذیری بر نیروی دریایی بعثی‌ها وارد کرد. دریادار سرنوشت معتقد است این عملیات مسیر جنگ را با نابودی کامل نیروی دریایی رژیم بعث تغییر داد. او به رغم مجروح شدن در عملیات مروارید در حالی که یک اسیر عراقی را نیز به همراه داشت، ۲۳ساعت در دریا شنا کرد تا توسط هلیکوپتر ایرانی نجات یافت. به مناسبت هفتم آذر، روز نیروی دریایی با این دریادار جانباز به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن را می‌خوانید.

چطور شد به نیروی دریایی پیوستید؟

از نوجوانی به نیروی دریایی علاقه‌مند بودم. به همین خاطر سال ۱۳۵۰ بعد از اخذ دیپلم ریاضی، در کنکور نیروی دریایی شرکت کردم و قبول شدم. آن زمان بیشتر دانشجویان یگان‌های تخصصی به خارج از کشور اعزام می‌شدند و من هم برای گذراندن دوره آموزشی به دانشکده سلطنت دریایی انگلیس در لندن رفتم. سال ۵۳ پس از فارغ‌التحصیلی به ایران برگشتم و در ناوشکن پلنگ مشغول به کار شدم. بعد از مدتی برای گذراندن دوره عالی مخابرات دریایی دوباره به انگلیس رفتم. در بازگشت به ایران که همزمان با روزهای پیروزی انقلاب اسلامی بود، به مرکز بندرعباس منتقل شدم. این را هم بگویم که من یک دوره غواصی را هم سال ۱۳۵۵ گذرانده بودم. البته به علت علاقه‌ای که خودم داشتم درخواست گذراندن دوره غواصی ناو را دادم و برای این منظور به بندر انزلی اعزام شدم و بعد از آن به ناوشکن سهند پیوستم.

شما از قبل از انقلاب در نیروی دریایی بودید، افسران نیروی دریایی در دوران پیروزی انقلاب فعالیتی داشتند؟

بله، ما هم در پیروزی انقلاب سهیم بودیم و به جرئت می‌توان گفت نقش قابل توجهی هم داشتیم. در دوران انقلاب نیروهای ما از بندرعباس راهی تهران شدند و به صف انقلابیون پیوستند. وقتی هم که نیاز بود کار کنیم کار می‌کردیم. مثلاً در همان ایام پیروزی انقلاب یک بار دیدیم ۵۶ کشتی در نوبت تخلیه بار هستند در حالی که نه پایلوتی بود و نه یدک‌کشی که آنها را پهلو بدهد. این نیروی دریایی بود که آنها را پهلو داد و بار کشتی‌هایی را که برای استفاده مردم بود، تخلیه کرد. در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ نیروی دریایی بیشترین خدمت را به کشور انجام داد، نیروهایش را حفظ کرد و خللی در انجام کارهایش پیش نیامد. سال ۵۹ که رژیم بعثی صدام به ایران حمله کرد، نیروی دریایی در آمادگی رزمی کامل بود، برای همین سریع وارد عمل شد و توانست طی دو ماه اول جنگ، نیروی دریای عراق را از بین ببرد. ۶۷ روز مقاومت و دفاع تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر حاکی از این است که چگونه تکاوران نیروی دریایی توانستند جلوی لشکر رزمی دشمن را بگیرند و آنها را زمینگیر کنند. پرسنل نیروی دریایی و واحدهای موشک‌انداز در آن روزها خوب عمل کردند.

وضعیت نیروی دریایی در آغاز جنگ تحمیلی چطور بود؟

بازگشت من از لندن بعد از دوره آموزشی مخابرات دریایی با پیروزی انقلاب اسلامی همزمان شد که عرض کردم به بندرعباس رفتم. آنجا همه کادر نیروی دریایی مرکز هم قسم شدیم که نیروی دریایی را به یک نیروی قدرتمند تبدیل کنیم و اجازه نفوذ به ستون پنجم دشمن ندهیم. همین هم شد. نیروی دریایی توانست بعد از پیروزی انقلاب انسجام خود را حفظ کند. همین انجام عملیات مروارید در اوایل جنگ خود گواه این مدعاست. من با آغاز جنگ تحمیلی داوطلبانه از بندرعباس به ماهشهر و خارک منتقل شدم و در تیم ویژه گشت دریایی شروع به کار کردم. در این دوره در عملیات‌های مختلف شناسایی و برون‌مرزی حضور داشتم که این حضور تا پایان جنگ ادامه داشت. آخرین مأموریت من فرماندهی عملیات جست‌وجوی اجساد مسافران هواپیمای ایرباس بود که توسط ناو امریکایی هدف قرار گرفته بود. حتی حدود ۷۰ تا ۸۰ روز بعد از اعلام آتش‌بس در جنگ نیز ما با تیم غواصی مشغول کار بودیم. آن زمان من فرمانده غواصی نیرو بودم که توانستیم غواصی را به صورت تاکتیکی و رزمی سازماندهی و در عملیات‌های مختلف برون‌مرزی شرکت کنیم. در همین دوره توانستیم به ساخت زیردریایی‌های دو نفره غواصی و ساخت مین‌های دریایی چسبان غواصی دست یابیم. از سال ۶۲ تا ۶۵ یگان زیردریایی و غواصی ما نقش عمده‌ای در عملیات‌های شناسایی و برون‌مرزی داشت که افتخار خدمت در آن را داشتم.

اگر از شما بخواهیم از میان افسران نیروی دریایی به خدمات یکی از آنها در جنگ اشاره کنید، کدام را معرفی می‌کنید؟

بچه‌های نیروی دریایی اوایل جنگ از آمادگی کاملی برخوردار بودند ولی شایسته است اینجا از ناخدا یکم مصطفی مرجانی‌نژاد، جانشین فرمانده نیرو و فرمانده نیروی رزمی یاد کنم که ایشان تاکتیک دریایی را به ما آموزش می‌داد. همیشه در صحنه بودن یکی از تاکتیک‌های دریایی است. ایشان آمد و در خلیج فارس مستقر شد. ما هم نیروی این افسر شجاع بودیم و مرتب گشت هوایی و دریایی داشتیم. به طوری که از همان ماه‌های اول جنگ، هرگز خلیج فارس از حضور نیروهای گشتی ما خالی نمی‌شد. با هلیکوپترهای هوادریا، در آسمان گشت می‌زدیم و واحدهای گشتی شناورمان هم در سطح آب حضور داشتند.

گویا اولین عملیات نیروی دریایی انهدام سکوی الامیه عراق بود، چه شرایطی منجر به انجام این عملیات شد؟

وقتی صدام اعلام کرد که می‌خواهد پایانه‌های نفتی ایران را منهدم و نظام ایران را به سقوط بکشاند، مصمم شدیم ضربه محکمی به نیروی دریایی عراق وارد کنیم. برای همین اولین حرکت ما طراحی عملیات شهید صفری بود. هدف این عملیات انهدام سکوی الامیه یکی از پایانه‌های نفتی عراق بود. تکاوران نیروی دریایی با دو فروند هلیکوپتر و دو فروند واحد شناور به این سکو یورش بردند و با گذاشتن مواد منفجره روی سکو و انفجار آنها توانستیم سکو را منهدم کنیم.

وقتی سکوی الامیه را منهدم کردیم، صدام اعلام کرد که این سکو خسارت زیادی ندیده است! بلافاصله ناخدا مرجانی‌نژاد دستور عملیات مروارید را صادر کرد. عملیات مروارید برای انهدام سکوی البکر طراحی شده بود. البته هدف ما فقط انهدام سکوی البکر نبود، بلکه مأموریت اصلی بیرون کشیدن شناورهای دریایی عراق از ام‌القصر بود.

یعنی تصرف سکوی البکر طعمه‌ای برای شناورهای عراقی و مقدمه عملیات مروارید بود؟

بله، چون ما نقطه تماس دریایی با عراق نداشتیم، شناورهای عراقی در ام‌القصر و بصره مستقر بودند و به خلیج فارس نمی‌آمدند. ما باید اینها را از لانه خود بیرون می‌کشیدیم و به دریا می‌آوردیم تا بتوانیم منهدم کنیم. در حقیقت عملیات مروارید بر مبنای ایجاد طعمه برای بیرون کشیدن واحدهای دریایی دشمن به دریا بود که ما توانستیم آنها را به دریا بکشانیم. عملیاتی به نام عملیات اشکان داشتیم که شامل گشت و شناسایی و تردد در تمامی آبراهه‌ها، کنترل عملیات دریاها و جلوگیری از نفوذ واحدهای دشمن به آب‌های سرزمینی ما بود. لازم است بگویم که شمال خلیج فارس و ورودی بهمنشیر، اروندرود و خور عبدالله، منطقه درگیری ما در شمال خلیج فارس با دشمن بود اما دشمن به هیچ وجه در دریا حضور پیدا نمی‌کرد. برنامه‌ریزی شد که ناوچه‌های جوشن، پیکان و دیگر ناوچه‌های موشک‌انداز ما در این منطقه مستقر شوند. ما هم داوطلب شده بودیم کار گشت‌وشناسایی را انجام دهیم. ابتدا شش نفر بودیم که در آخرین لحظات شهید ناو سروان محمود کوشا هم به ما اضافه شد. ما هفت نفر برای اجرای عملیات داوطلب شدیم. ابتدا قرار شد سکوی البکر را بگیریم و در روی آن مستقر شویم تا عراق مجبور شود شناورهای خود را برای بازپس‌گیری سکو به دریا بیاورد. ما با دو فروند هلیکوپتر هوادریا روی سکوی البکر پیاده شدیم و عملیات در پنجم آذرماه سال ۱۳۵۹ یعنی دو ماه بعد از شروع جنگ تحمیلی آغاز شد. عملیاتی بی‌نظیر با تاکتیک‌های جنگی جامع بود که همه جوانب آن مورد بررسی قرار گرفته بود و ما توانستیم این عملیات را به صورت بسیار گسترده با کمک توپخانه نیروی زمینی و پشتیبانی هوایی نیروی هوایی انجام دهیم و روی سکوی البکر پیاده شویم. همان لحظه اول بعد از پیاده شدن روی سکو، ما هفت نفر حدود ۵۰ اسیر گرفتیم و سکو در اختیار ما قرار گرفت. بلافاصله پرچم کشورمان را بر بالای سکو نصب کردیم. اهتزاز پرچم ایران روی سکو بعثی‌ها! را مصمم به بازپس‌گیری آن کرد. همان شد که ما می‌خواستیم یعنی تمام نیروی دریایی خود را در روزهای پنجم، ششم و هفتم آذرماه به دریا آوردند. ما هم تمام واحدهای شناور، هوایی و ناوهای نیروبر را مورد هدف قرار دادیم و اینگونه در روز هفتم آذر نیروی دریایی عراق به کلی منهدم شد و این روز به نام نیروی دریایی نامگذاری شد.

پس در همان ماه‌های اول جنگ چندین عملیات دریایی پشت سر هم انجام شد؟

عملیات‌های شهید اشکان، شهید صفری و مروارید، پشت سر هم و با موفقیت انجام شد. عملیات مروارید دقیقاً ۷۲ ساعت طول کشید و عملیات شهید صفری در ۲۴ ساعت انجام شد. تمام این عملیات‌ها، عملیات‌های بی‌نظیری بودند به ویژه عملیات مروارید که باید در دانشگاه‌ها تدریس شود و دانشجویان ما بررسی این عملیات را به عنوان موضوع پایان‌نامه خود انتخاب کنند. خود من در عملیات مروارید مجروح شدم.

بعد از مجروحیت همچنان در جنگ شرکت داشتید؟

بله، عملیات مروارید که تمام شد و من زنده ماندم، با خود عهد کردم که دوباره به عرصه فعالیت برگردم. برای همین با وجود هفت ونیم درصد معلولیت و پیوند خوردن گوش‌هایم، در عملیات‌های مختلف در ناوچه‌های مختلف موشک‌انداز حضور داشتم. سه سال فرماندهی ناوچه شمشیر را بر عهده داشتم. یک سال بیشترین حضور روز در دریا را در جنگ داشتم. از ۳۶۵روز سال ۳۰۶ روز در دریا بودم. عملیات‌های مختلفی را انجام می‌دادیم. در ۱۲ اردیبهشت ۶۲ موفق شدیم با ناوچه شمشیر آخرین بقایای نیروی دریایی عراق را که همان ناوچه‌ای بود که ناوچه پیکان ما را زده بود، هدف قرار دهیم و تمام سرنشینان آن را به اسارت بگیریم.

اگر می‌شود مفصل‌تر به عملیات مروارید بپردازیم.

مروارید، عملیات سنگین و گسترده‌ای بود. بعد از اینکه فرمانده نیروی رزمی موافقت کرد ما این عملیات را انجام بدهیم، تیم هفت نفره ما با دو فروند هلیکوپتر به اسکله البکر منتقل شد. امور ارتباطات و بیسیم هم با من بود. کوله‌پشتی دستگاه بیسیم را بستم و به محض ورود به اسکله با شلیک گلوله آرپی‌جی تعداد زیادی از بعثی‌ها از برج کنترل سکو بیرون آمدند که سریع آنها را به اسارت گرفتیم. عملیات پاکسازی حدود دو ساعت و نیم طول کشید. بعد من از دکل اصلی که حدود ۴۲۰ پله داشت بالا رفتم و پرچم جمهوری اسلامی ایران را در آنجا به اهتزاز درآوردم. از همانجا دیدم که یک ناوچه عراقی در مجاورت سکوی الامیه مخفی شده است. با بیسیم به افسر رابط نیروی هوایی که روی ناوچه پیکان به عنوان پشتیبان دریایی ما بود اطلاع دادم. جا دارد از ستوان‌یکم شهید شریفی افسر نیروی هوایی یاد کنم که بلافاصله با ارتباط از روی ناوچه پیکان با خلبان‌هایی که در آسمان بالای سر ما حاضر بودند تماس گرفت تا آن ناوچه عراقی را مورد هدف قرار دهند و ما عملیات را ادامه دادیم. ما انتظار داشتیم بعثی‌ها همان روز برای بازپس‌گیری سکو اقدام کنند اما خبری نشد و ما با دقت نگهبانی می‌دادیم و گشت می‌زدیم تا خودمان را تثبیت کنیم چون تعداد اسرای عراقی زیاد بود، غروب همان روز تقاضای تخلیه آنها را دادیم که گفتند ناوچه پیکان برای انتقال اسرا خواهد آمد. نکته جالب این بود که این ناوچه قبل از پهلوگیری کنار ما به داخل خور عبدالله رفت و در جریان درگیری با دو ناوچه عراقی، آنها را منهدم کرد و تعدادی اسیر گرفت. بعد اسرایی را هم که در اختیار ما بود، منتقل کرد. صبح فردا با دو موشک اس دی از سوی بعثی‌ها مورد هدف قرار گرفتیم. یک فروند نزدیک محمود کوشا فرود آمد. این افسر خیلی شجاع بود. ترکش به جمجمه‌اش اصابت کرد که در حال انتقال با هلیکوپتر به بیمارستان بوشهر به شهادت رسید. بعد از ۴۸ ساعت ناوهای نیروی دریایی عراق با ۴۵۰ تفنگدار به سمت ما حرکت کردند. در اینجا بود که نیروی هوایی ارتش وارد عمل شد و چهار فروند ناوچه و دو فروند ناو نیروبر عراقی را که حامل تفنگدارها بودند مورد هدف قرار دادند. عملیات در هوا و دریا ادامه داشت تا اینکه سرانجام نیروی دریایی عراق به کلی منهدم شد.

نگفتید چه اتفاقی برای شما افتاد؟

وقتی به ما دستور تخلیه دادند، در راه برگشت در ۸ مایلی سکو بعثی‌ها ما را با موشک‌های اف ایکس مورد هدف قرار دادند که دو موشک با مانور ناو سروان حسین حقیقی فرمانده دوم ناوچه پیکان داخل آب فرود آمد. موشک‌های سوم و چهارم در نزدیکی ما منفجر شد که ترکش‌های آنها تقریبا به همه ما اصابت کرد. گوش‌ها پاره شد و چشم‌هاصدمه دید. هر دو گوش من پاره و چشم‌هایم هم بسته شده بود. زمانی که به هوش آمدم احساس کردم در عمق آب هستم. در آخرین لحظه خودم را داخل آب انداخته بودم. گوش هایم نمی‌شنید و چشم‌هایم هم نمی‌دید. خودم را به سطح آب رساندم. سرمای آب باعث شد تا ورم یکی از چشم‌هایم بخوابد و توانستم کمی اطراف‌تر را ببینم. دیدم که ناوچه مورد اصابت قرار گرفته و در حال غرق شدن است. فکر می‌کنم حدود ۴۰ نفر بودیم و تعدادی اسیر عراقی هم با ما بودند که یک اسیر زنده ماند. در اثر انفجار، جلیقه‌ها و قایق‌ها سوخته بود، یک قایق سوخته پیدا کردیم. دیدم ارشدترین افسر باقی مانده هستم، راهبری قایق را به عهده گرفتم و با پارو به سمت اولین چراغ دریایی که در مسیر بود حرکت کردیم. بعد جریان باد و آب تغییر کرد و ما را به همان جایی که ناوچه پیکان غرق شده بود بازگرداند. اندکی بعد دو هلیکوپتر نجات آمد، اما بلافاصله میگ‌های عراقی هم از راه رسیدند، فرصت زیادی نداشتیم، دیگر غروب شده بود، تمامی نفرات ناوچه پیکان و نفرات تیم همراه من سوار هلیکوپتر شدند. آخرین نفر خودم ماندم و یک اسیر عراقی که فرصت سوار شدن پیدا نکردیم چون هواپیماهای عراقی هلیکوپترها را هدف گرفته بودند و شلیک می‌کردند و هلیکوپتر در حالی که یک نفر از آن آویزان بود و هنوز سوار نشده بود به سمت ایران حرکت کرد. ناو سروان حسن امامی و همایون از خلبان‌های مشهور بودند و بی‌نظیر عمل کردند. آخرین نفر را که در حلقه آویزان بود، را بالا کشیدند و مجبور شدند محل را ترک کنند زیرا هر لحظه ممکن بود مورد هدف میگ‌های عراقی قرار بگیرند. من و اسیر عراقی جا ماندیم. من هم با توجه به نور خورشید مسیر شنا را انتخاب کردم. از لحظه‌ای که هلیکوپتر رفت یعنی غروب آن روز تا غروب آفتاب روز بعد (در مجموع حدود ۲۳ ساعت) به همراه اسیر عراقی در دریا شنا کردم. شب هوا خیلی سرد بود. جنازه‌های عراقی کوسه‌ها را به آن منطقه کشانده بود. حدود ۱۵ جلیقه نجات را از اجساد عراقی‌ها باز کردیم و دور خودمان بستیم تا هلیکوپترها با توجه به رنگ زرد جلیقه نجات راحت‌تر ما را پیدا کنند. سرانجام هنگام غروب آفتاب روز بعد هلیکوپترهای گشت هوادریا ما را پیدا کردند.

من همان جا با خدا عهد کردم که به من توان بدهد تا بتوانم آن ناوچه عراقی را که با شلیک موشک، ناوچه پیکان ما را زد، بزنم. در سال‌های بعد تمام منطقه را برای دیدن آن ناوچه گشت می‌زدم تا اینکه در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۶۲ موفق شدم آن را پیدا کنم و مورد هدف قرار بدهم. عملیات مروارید به حق عملیات برجسته، با عظمت و بی‌نظیری بود که باعث انهدام نیروی دریایی عراق شد. تشکیل یک نیروی دریایی جدید حدود ۳۰ سال طول می‌کشد. آنها دیگر نتوانستند نیروی دریایی داشته باشند.

برای همین غربی‌ها هواپیماهای جدید و موشک‌های هوا به دریا را در اختیار صدام قرار دادند؟

بله، عراق حضور در دریا را با پشتیبانی نیروی هوایی داشت به همین خاطر هواپیماهای سوپر اتاندارد و هلیکوپترهای مجهز به موشک‌های فرانسوی در اختیار صدام قرار دادند. حتی خلبان‌هایش را هم غربی‌ها تأمین می‌کردند اما بعد از مدتی دیگر ما نیروی دریایی ندیدیم، درگیری‌های دریایی ما با امریکا بود. غربی‌ها وارد آب‌های خلیج فارس می‌شدند و گشت می‌زدند.

بعد از پایان جنگ تحمیلی چه کردید؟

بعد از جنگ مدیریت یگان‌های زیر سطحی و زیردریایی را تشکیل دادیم. ابتدا مدیر غواصی بودم و بعد مدیر زیر سکو شدم. زیردریایی ساختیم و توسعه دادیم و اسکادران‌های زیردریایی را گسترش دادیم و بعد هم سال ۷۳ بازنشست شدم. البته دست از کار نکشیدم و نسبت به پاکسازی کانال هرمز که ۱۴۲ مغروقه داشتیم، اقدام کردیم. شناورهای ما که مورد هدف هواپیماهای دشمن قرار گرفته بود یا شناورهای عراقی که غرق شده بودند باید پاکسازی می‌شدند. همینطور نصب سکو و کارهای مهندسی سازه‌های زیر آبی و واحدهای شناور در دریا را با همکاری غواصان انجام می‌دهیم. خوشبختانه از نظر نجات کشتی‌های صدمه‌دیده و عملیات نجات در دریا به خودکفایی رسیده‌ایم و الان تمام نیازمندی غواصی و نجات دریایی را با نفرات و تیم‌های خودمان به خوبی انجام می‌دهیم.

به عنوان پیشکسوت نیروی دریایی وضعیت این نیرو را اکنون چگونه می‌بینید؟

من اول یک نکته را بگویم، بعد از جنگ جهانی دوم که ویلیام ناکسترسی آمد، نفت آبادان را استخراج کرد و ناوهای انگلیسی آمدند ناوشکن ببر و پلنگ قدیم ما را که در کنار اسکله بود نابود کردند. به عبارتی نیروی دریایی نابود شده بود. آنها در بدن دریادار پاینده بیش از ۵۰گلوله خالی کردند، ما از همان زمان به این نتیجه رسیدیم که باید نیروی دریایی مستقل داشته باشیم. خداوند دریای عمان و سواحل مکران و ۱۸۳۵ کیلومتر مرز آبی بی‌نظیر را به ما داده است که می‌تواند برای ما انواع دستاوردها را داشته باشد. ما در دهه دوم و دهه سوم تشکیل نیروی دریایی به همه جای دنیا دانشجو فرستادیم. از همه کشورهایی که نیروی دریایی داشتند از امریکا و ترکیه گرفته تا فرانسه، ایتالیا و آلمان ما فارغ‌التحصیل داشتیم. از افتخارات ما این است که در سال ۶۰ یعنی شش ماه بعد از آغاز جنگ دانشکده دریایی در نوشهر تأسیس کردیم و افسر دریایی پرورش دادیم. دانشجوهای اعزامی بعد از فارغ‌التحصیلی برگشتند و به عنوان استاد دهها دوره نیرو تربیت کردند. سری اول و دوم همان نیروها الان بازنشسته شدند. اینگونه شد که اکنون واقعا نیروی دریایی کارآمد و بومی داریم. ما توانستیم در سال ۶۲ مین دریایی درست کنیم و در سال ۶۵ اسکادران زیردریایی دوربرد را به وجود آوریم و شانزدهمین زیردریایی را ساختیم و به آب انداختیم و الان دارد در اقیانوس هند دریانوردی می‌کند و گشت می‌زند تا امنیت دریایی را نه تنها برای ما بلکه برای کل منطقه تأمین کند. ما اکنون خبری از دزدان دریایی در منطقه نمی‌شنویم. امریکا این دزدان دریایی را پشتیبانی می‌کرد تا منطقه ما را ناامن نشان دهد و حضور خودش را در منطقه توجیه کند اما ما ابزار را از دست امریکا گرفتیم. ما افسران شجاع، متعهد، مبتکر و خلاق در نیروی دریایی فراوان داریم و به آنها افتخار می‌کنیم. نیروی دریایی ما بدون تردید نیروی برتر منطقه است.

> عملیات پاکسازی حدود دو ساعت و نیم طول کشید. بعد من از دکل اصلی که حدود ۴۲۰ پله داشت بالا رفتم و پرچم جمهوری اسلامی ایران را در آنجا به اهتزاز درآوردم. از همانجا دیدم که یک ناوچه عراقی در مجاورت سکوی الامیه مخفی شده است

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۵۲۶

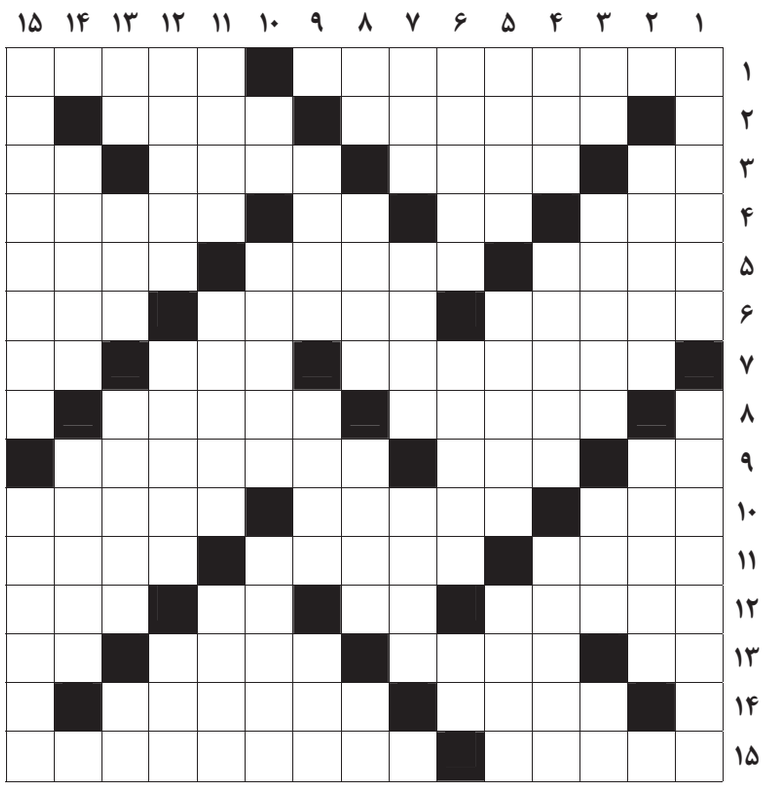

از راست به چپ

■ ۱- نویسنده کتاب ثروت ملل و ملقب به پدر علم اقتصاد- رودی در استان خوزستان ■ ۲- نوعی اتومبیل بارکش- در رفاه و آسایش ■ ۳- مادر لر- از نام‌های خدا به معنی داور- عنوان- هزار کیلو ■ ۴- صدا و آواز- آخرین نت- ترک استخوان- از مرکبات ■ ۵- نقاب- تقارن- خدای خدایان در اساطیر یونانی ■ ۶- اسب اصیل- فقیر- شمشیر ■ ۷- از ورزش‌های گروهی- دمده نشده- نماد لاغری ■ ۸- سستی- آرام و سازگار ■ ۹- فوندانسیون- نشانه- آبزی خوراکی با بدن دراز و کشیده ■ ۱۰- قرص روانگردان- یار محبوب و عزیز- انتقال روح شخص مرده به بدن انسانی دیگر ■ ۱۱- از آلات موسیقی قدیمی- نامی است ایرانی برای پسران- از نوشت‌افزار ■ ۱۲- سازی است مانند سه تار- محصول استراتژیک شیلی- نوعی شیرینی- سبکی در کونگ‌فو ■ ۱۳- کلاه الف- درست و صحیح- پایتخت اردن- شلوار جین ■ ۱۴- شهر پلیس بین‌المللی- دانا و حکیم ■ ۱۵- مهاجم برزیلی پاری‌سن ژرمن- نوعی آش از سبزی و گوشت و سبزیجات

از بالا به پایین

■ ۱- ارگانیک- ساختمان چند طبقه ■ ۲- هواپیمای جاسوسی امریکایی- پیوسته و پشت سر هم ■ ۳- صدمه- رازها- نام پسر ادریس نبی- تکیه بر پشتی ■ ۴- کمک‌کننده- نویسنده گروه محکومان- حصیر ■ ۵- گاو مقدس مصریان- نتیجه‌ای چند- شهری در کرمان ■ ۶- انتقال بیماری به دیگری- بزرگ ایل و طایفه- راز مگوی خانم‌ها ■ ۷- سالمند- گیاه- نیاز و حاجت ■ ۸- حرف دهن کجی- خواهان و راغب- از ماه‌های فرنگی- تکرارش دهان‌سوز است ■ ۹- اسب سرکش- ماندگار- بخش کوچکی از قرآن ■ ۱۰- شراب- شاعر بنام فرانسوی صاحب اثر گل‌های رنج- چاپلوس ■ ۱۱- با نظم و ترتیب- از اصول دین- نویسنده اثر تاریخ فلسفه غرب ■ ۱۲- تقسیم ملک مشاع بین مالکان- دینداری- خواب ■ ۱۳- راه شاعرانه- زبان کشیدن- کاردانی- آرواره ■ ۱۴- نوندار کردن کلمات- نگهبان چماق نقره‌ای درهای قدیم ■ ۱۵- رمانی از هرمان ملویل نویسنده امریکایی- پادشاه هخامنشی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۶						
	۷		۵	۹				
						۱	۳	
	۶					۳		۴
	۹			۴	۳		۶	
۸					۷			
			۹	۳	۸			
۴	۵							
						۸		۷

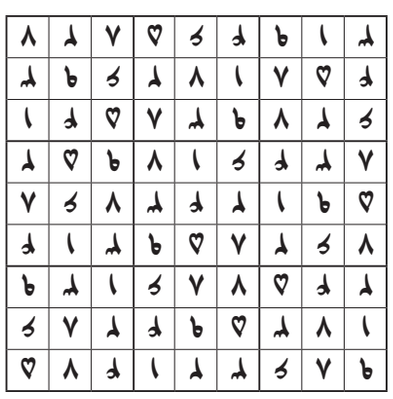

جدول کلمات متقاطع
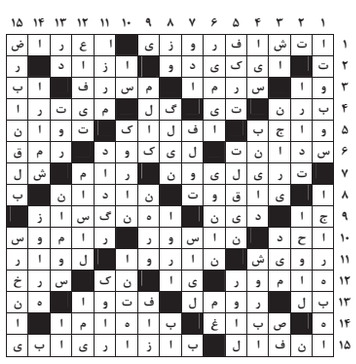
پاسخ جدول شماره ۵۵۲۵